

ماجرای عشق و عاشقی میدون

آمریکا از چی ماخوشش میاد؟

● **بوریا عالمی:** بابای سوفیا گفت: پسر با توجه به برجام و برابند مذاکرات و تقویت ایجاد تجارت آزاد با آمریکا، الان تو توی چه کاری هستی؟ گفتم: توی کار کرک‌وموی نرم حیوان. بابای سوفیا گفت: خجالت بکش. الان داریم با آمریکا رابطه برقرار می‌کنیم بعد تو توی کار موی نرم حیوانی؟ گفتم: اتفاقا من ششم اقتصادی قوی‌ای دارم و از وقتی رابطه با آمریکا خوب شد، من زدم توی کار موی نرم. البته بعد از مذاکره با آمریکا اوضاع خیلی بهتر شد چون قبل از آن دستم به همین کرک نرم هم بند نبود. اتفاقا تابناک گزارش داده که «در سه‌ماهه آغازین سال ۹۵ نیز اقلام عمده صادراتی ایران به آمریکا عبارتند از: «سایر کفپوش‌ها و نمد تولیدشده از پشم یا موی نرم یا کرک حیوان»، «زعفران»، «خیار و خیارترششی (خیار ریز)» و...».
خب از آنجا که زعفران به گروه خونی من نمی‌خورد، من دوتا گزنه تولید موی نرم حیوان یا خیار ریز را پیش‌رو داشتم که برای جلوگیری از سو-تفاهم، تولید موی نرم حیوان را انتخاب کردم. درضمن چون ما در طول تاریخ همه تلاشمان را کرده‌ایم که یک مو از خرس بکنیم، به‌همین‌دلیل به نظر بنده، ایرانیان به هر شغل مویی‌ای از جمله تولید موی نرم حیوان، مسلط هستند. پیشنهادم این است که همه ایرانیانی که مثل بنده بی‌کار هستند به تولید موی نرم حیوان رو بیاورند تا نه‌تنها خودمان به خودکفایی کرکی برسیم، بلکه جهان را انباشته از محصولات ایرانی کنیم.

وصیت: کار که عار نیست، یک‌موقع شغل ما می‌چی نبود، ولی الان حداقل شغل من کرکی محسوب می‌شود.

آکادمی

ذره‌ای که دیگر نیست

● **شرق:** بزرگ‌ترین مرکز تحقیقات فیزیک هسته‌ای جهان (سرن) خیرساز شد. چندی پیش این مرکز اعلام کرده بود دانشمندان ذره بسیار مهمی را کشف کرده‌اند که در فیزیک ذرات نقش مهمی دارد؛ پس از کشف این ذره که با بوزون‌هیگز نسبت دارد، دانشمندان اعلام کردند احتمال اینکه ذره نوبافته وجود نداشته باشد، یک در ۹۳ است؛ اما گویا این احتمال یک به ۹۳ جدی شده و دانشمندان در آزمایش‌های تازه‌ای که انجام داده‌اند، از احتمال دیگری سخن گفتند. آنها می‌گویند در آزمایش‌های جدید خود رد دیگری از این ذره نیافتند. کشف ذره بوزون‌هیگز آن‌قدر مهم بود که برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۲۰۱۳ شد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۵ • ۵ ذی‌القعدة ۱۴۳۷ • ۸ آگوست ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۵۰ • صفحه ۱۹:۶:۰۱ اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۱ • اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

روزنامه‌فرا

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com

خودکشی کم سالان برای تن ندادن به ازدواج اجباری در جهان سوم



شرق: غذا، خرید، کتاب و روزنامه برای زندانی، از احتیاجات روزمره است. گاهی حتی وعده‌های خوردن غذا بهانه‌ای می‌شود برای گذراندن روزها و شب‌های طولانی حبس و گاه، حفظ سلامتی زندانی، موکول و مربوط می‌شود به همین لقمه‌هایی که می‌خورد و قطره‌هایی که می‌آشامد. حال سؤال اینجاست که قانون برای تغذیه زندانی چه مؤلفه‌هایی در نظر گرفته است. نعمت احمدی، حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری، به سؤالاتی در این باره جواب می‌دهد.

❧ **کدام بخش از قانون به مسئله تغذیه زندانی اشاره دارد؟**

طبعاً همه موارد مربوط به حقوق زندانی را باید در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سراغ گرفت. این آیین‌نامه مصوب آذر سال ۹۴ است و در موارد فراوان به موضوعاتی چون تغذیه، سلامت و بهداشت زندانیان پرداخته.

❧ **براساس این آیین‌نامه، غذای زندانی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟**

در ماده ۹۳ آیین‌آین‌نامه درباره غذای زندانیان آمده است: غذای روزانه در سه وعده به‌ترتیب زیر به زندانیان داده می‌شود: صبحانه، ناهار، شام و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامین‌های کافی باشد. این برنامه غذایی مصوب که متناسب با شرایط آب‌وهوا در هر محل است، با چای و آب آشامیدنی سالم در اختیار

بر فراز شهر

رسیدگی به پرونده کیارستمی نه‌تعمیم هیجان



❧ **دکتر امیرحسین جلالی:**

برخی تصویرها مو بر اندام آدمی سیخ می‌کند. من به‌عنوان عضوی از جامعه پزشکی که عمیقاً باور دارم که ضروری است نهادهای صنفی پزشکی بیش از هرکسی در جامعه در رسیدگی به خطاهای پزشکی یا رفتارهای خارج از موازین حرفه‌ای جدی باشند و از هیچ همکار احیاناً متخلف، سودجو یا سهل‌انگاری در هیچ شکلی دفاع نمی‌کنم، در مقام یک متخصص سلامت روانی همین جامعه ابراز تأسف خود را از رفتارهای غیرحرفه‌ای و سهل‌انگانه‌ای که توسط عده‌ای در شبکه‌های اجتماعی در جهت سلب اعتماد عمومی از جامعه پزشکی انجام می‌شود، اعلام می‌کنم و آن را دارای پیامدهای بسیار آسیب‌زننده و خطرناک برای جامعه می‌دانم. از سویی به‌عنوان کسی که نقشی کلیدی در برگزاری یکی از معهود بزرگداشت‌های داخلی عباس کیارستمی (زید، ۱۳۸۲) داشته و البته در همه سال‌های زنده‌بودن او، بارها آثار سینمایی‌اش را در سالن‌های سینما تماشا کرده، شک ندارم بسیاری کسانی که این‌گونه خبرسازی‌ها و تحلیل‌ها درباره مرگش را به اشتراک می‌گذارند، او را چنان که قدر اوست، نمی‌شناسند. من این واکنش تند، عصبی و پر حجم به مرگ کیارستمی و شهیدنمایی وی را نوعی دفاع روانی از قدر ندانستن‌هایمان می‌بینم. واکنشی وارونه به احساس گناهی درونی از قتل‌ی که روزی که او زنده بود انجام دادیم و او را قدر ندانستیم. در کشورش بیگانه و نزد بیگانگان شناخته‌شده بود. کیارستمی روزی فوت کرد که از ترس کتک‌خوردن از در پشتی فرودگاه خارج شد و همه آن روزهایی در کما بود که سینمای او دیده و ستوده نشد. ساده‌تر است انکار که بار گناهمان را بر شانه کسی دیگر بیندازیم و خود را آسوده کنیم. از سوی دیگر خطای پزشکی و عارضه درمان و دارو با هم متفاوت است. همان‌گونه که دارو عارضه دارد، جراحی هم عوارضی دارد. ثانیاً محدودیت‌های تکنیکی و انسانی مثل ه‌رفن دیگری جراحی را در معرض خطاهای غیرارادی قرار می‌دهد. آمار خطاهای پزشکی در کشورهایی مثل آمریکا بیش‌روی ماست، یکی از چند علت اصلی مرگ بیماران در بهترین و مجهزترین مراکز هنوز خطای پزشکی است. من به‌عنوان یکی از سوگواران پزشک کیارستمی به‌جد خواهان رسیدگی به پرونده هستم، اما درک نمی‌کنم چرا عده‌ای می‌خواهند به قیمت این موضوع با نوعی تعمیم هیجانی و غیرمنطقی بنیادهای اعتماد به گروه مرجع مهمی چون پزشکان را بسوزانند. آیا هیچ کس از این پس در این کشور قرار نیست بیمار یا به خدمات سلامت و درمان نیازمند شود. سوزاندن ریشه اعتماد و آرامش و ایجاد تصویری هولناک از سوزه‌هایی چون پزشک و بیمارستان چه عایدی دارد؟ گمانم در این آتش‌زدن قصیره انگیزه‌های آگاه و ناخودآگاه دیگری وجود دارد. جامعه برای تضمین سلامت و آرامش خود باید راه را بر این موج ویران‌کننده ببندد و به نیت‌های غیرمسئولانه این کنش‌های مخرب مجال خودنمایی ندهد.

فوت کرد که از ترس کتک‌خوردن از در پشتی فرودگاه خارج شد و همه آن روزهایی در کما بود که سینمای او دیده و ستوده نشد. ساده‌تر است انکار که بار گناهمان را بر شانه کسی دیگر بیندازیم و خود را آسوده کنیم.

از سوی دیگر خطای پزشکی و عارضه درمان و دارو با هم متفاوت است. همان‌گونه که دارو عارضه دارد، جراحی هم عوارضی دارد. ثانیاً محدودیت‌های تکنیکی و انسانی مثل ه‌رفن دیگری جراحی را در معرض خطاهای غیرارادی قرار می‌دهد. آمار خطاهای پزشکی در کشورهایی مثل آمریکا بیش‌روی ماست، یکی از چند علت اصلی مرگ بیماران در بهترین و مجهزترین مراکز هنوز خطای پزشکی است. من به‌عنوان یکی از سوگواران پزشک کیارستمی به‌جد خواهان رسیدگی به پرونده هستم، اما درک نمی‌کنم چرا عده‌ای می‌خواهند به قیمت این موضوع با نوعی تعمیم هیجانی و غیرمنطقی بنیادهای اعتماد به گروه مرجع مهمی چون پزشکان را بسوزانند. آیا هیچ کس از این پس در این کشور قرار نیست بیمار یا به خدمات سلامت و درمان نیازمند شود. سوزاندن ریشه اعتماد و آرامش و ایجاد تصویری هولناک از سوزه‌هایی چون پزشک و بیمارستان چه عایدی دارد؟ گمانم در این آتش‌زدن قصیره انگیزه‌های آگاه و ناخودآگاه دیگری وجود دارد. جامعه برای تضمین سلامت و آرامش خود باید راه را بر این موج ویران‌کننده ببندد و به نیت‌های غیرمسئولانه این کنش‌های مخرب مجال خودنمایی ندهد.

❧ **هیأت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران**

آینه‌های روبه‌رو

نعمت احمدی از چندوچون قانونی خرید زندانیان می‌گوید:

هفته‌ای ۳بار گوشت در زندان

وجود دارند، تهیه کنند.

❧ **اما مشکل اینجاست که زندانی حق ندارد در زندان پول همراه داشته باشد.**

بله در همین ماده به این موضوع اشاره شده و آمده: متهمان و محکومان مجاز به نگهداری و همراه‌داشتن پول در زندان نیستند و برای رفع نیازمندی‌ها و احتیاجاتشان، مسئولان زندان مکلفند با استفاده از روش‌های قابل‌اجرا، تمهیدهایی را فراهم کرده تا محکومان بتوانند از محل موجودی خود برای خرید از فروشگاه‌ها و تهیه سایر کالاهای موردنیاز خود اقدام کنند؛ به‌عنوان مثال استفاده از کارت‌های بانکی و دستگاه‌های ای‌تی‌ام یکی از این راه‌هاست.

❧ **اگر به هر دلیلی این شرایط فراهم نشد و مثلاً دستگاه ای‌تی‌ام برای روزهای متوالی خراب بود یا مسئول فروشگاه از فروش اقلام خوراکی خودداری کرد، زندانی چه باید بکند؟**

همیشه که محکوم یا متهم (در زندان به این افراد مددجو می‌گویند) متهم نیست، گاهی او خود شاکي است و در قانون شیوه‌هایی برای بیان شکایت و اظهار نارضایتی‌اش در نظر گرفته شده، اما درخصوص این مورد، شیوه خاصی مطرح نیست و وقتی که شیوه خاصی برای طرح شکایت مطرح نباشد، به عمومیات مراجعه می‌کنیم. از آنجایی که افراد فعال در سازمان زندان‌ها، ضابط قضائی هستند، برای شکایت از آنها باید به قوه قضائیه مراجعه کرد.

گزارش فردا

نوشیدن با طعم مرگ



بوده‌ایم. این در حالی است که هرچه میزان الکل یک مشروب بیشتر باشد، علاوه بر عوارض جسمی، شاهد بروز بیشتر عوارض روحی چون پرخاشگری، ایجاد حوادث خیابانی و جاده‌ای و... نیز هستیم». سال گذشته در قیام‌دشت، یک کارگاه زیرزمینی غیرمجاز پلمب شد که کار اصلی‌اش ساخت این ساندیس‌ها و طراحی نوشته‌های

روی آن بود، بنابراین بعید به نظر می‌رسد که مشروب‌های ساندیسی تولید خارج از کشور باشند. اگر این فرض را بپذیریم، مشروب موجود در این بسته‌های گول‌زننده، واقعاً خطرناک است، چراکه به گفته دکتر قدیرزاده، چنین مشروبات دست‌سازی معمولاً با الگوی اضافه‌کردن آب به الکل‌های تقطیری به وجود می‌آیند و برای میزان خلوص الکل آنها هیچ نوع استاندارد یا مرزی وجود ندارد و در نهایت، شاهدیم که عوارض مصرف مشروب در ایران بیشتر از دیگر کشورهاست. به گفته این عضو پزشکی قانونی، هرساله، به‌طور قطعی صد نفر به‌خاطر مصرف الکل در کشور می‌میرند.

مرگ‌ومیر سالانه مصرف الکل در کشور	حدود ۱۰۰ نفر
مرگ‌ومیر مصرف الکل در سال ۹۴	۶ زن و ۸۹ مرد
مرگ‌ومیر مصرف الکل در سه‌ماهه اول ۹۵	۳ زن و ۳۱ مرد
منبع تولید الکل	دوسوم الکل‌های مصرفی تولید داخل‌اند
افزودنی‌های داخلی به الکل	متانول، دی‌ازپام و ترامادول
متوسط سن مصرف‌کنندگان داخلی	کمتر از ۳۵ سال

غریبه‌های روزنامه‌نگار

شیوه‌های متفاوت روزنامه‌نگاری را می‌توان دید. برای روز خبرنگار فرصتی بود تا دوباره اصولی را که در این سال‌ها داشتیم و عوض شده، مرور کنیم. بر خبرنگارانی که اکنون حاضرند و حرفه‌ای و نه احساسی کار می‌کنند. وقتی نه برای عقیده بلکه برای حرفه کاری را انجام دهید، شیوه کار شما فرق دارد. وقتی قرار است فقط کار خود را حالا طبق هر تعریفی که خودتان دوست دارید یا در دانشگاه یاد گرفته‌اید یا رئیس‌تان می‌خواهد انجام دهید، آن‌وقت اولویت‌ها فرق می‌کند. اولویت می‌شود افزایش حقوق‌تان از هر راهی، اولویت می‌شود رضایت بالادست به هر قیمتی، اولویت می‌شود شهرت به هر قیمتی.

آن‌وقت دیگر نوشتن برخی مطالب اصلاً سخت نیست، آن‌وقت دیگر مطالبه پول و کادو در روز خبرنگار حق می‌شود، آن‌وقت دیگر مهم نیست ماجرابی که بیان می‌شود، شکل دیگری به خود بگیرد، آن‌وقت دیگر خبرنگار بیان‌کننده راستی نیست، بیان‌کننده ماجراست یا زبانه‌ای که خود به شکل مناسب تعیین می‌کند.

دیروز گذشت، رئیس‌جمهور تبریکی برای خبرنگاران فرستادند، در شبکه‌های مجازی از اولویت‌های خبرنگاری نوشته شد، به اندازه کافی شعار و انشا به‌عنوان تبریک روز خبرنگار به تلفن‌های همراه ارسال شد. هنوز از انتخاب روزنامه‌نگاری خوشحالی‌م؛ فارغ از اینکه برای وعده انتخاباتی مانند بازگشایی انجمن صنفی نمی‌توان جواب صریحی شنید و...؛ ما هنوز امیدواریم.

می‌گویند جزء یکی از ۱۰ شغل سخت دنیاست، دلیلش در ایران با جهان فرق دارد و روزنامه‌نگاران مانده از دوران اصلاحات یا روزنامه‌نگاران دوم‌خردادی در این ۱۷، ۱۸ سال اتفاقات عجیبی را پشت‌سر گذاشته‌اند. ما در آن روزگاری وارد دنیای کلمه و ضبط صوت و ارتباط شدید، که صدای قیزقُزُ تلکس زمینه صدای تحریریه‌ها بود، کمی بعدتر باید در نوبت دریافت خبرها در صف می‌ماندیم، کمی بعدتر خودمان پشت کامپیوتر نشستیم و خبرها را جست‌وجو کردیم. اما این‌ها حتی یک‌دهم یا یک‌بیستم زمان تولید خبر و شور و شوقمان را بر نمی‌کرد.

بعضی از ما تفاوتی بین فعال سیاسی و روزنامه‌نگار نمی‌گذاشتیم. بعضی از ما ابزار اولیه روزنامه‌نگاری را فقط خودکار و کاغذ و ضبط صوت می‌دانستیم، برایمان فرقی نمی‌کرد که داخل تحریریه میزی که زیر دستمان است، کهنه و فرسوده است یا در یک خانه دوشویه عروس و داماد کارهای اولیه انتشار روزنامه را آغاز کنیم. برایمان مهم نبود که در فلان گوشه تحریریه سقف در حال ریزش است و تلفن روزنامه به علت بدهی قطع است یا... نداشتن امکانات برایمان عادی بود. زمان گذشته است، مسائل تغییر کرده است.



❧ **گیسو فقفوری**